

فصلنامه جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال اول، شماره سوم، پاییز ۹۴، صفحات ۱۰۳-۱۳۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۰۶/۱۶

تأثیر دینداری بر سبک زندگی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز)

کریم رضادوست^۱

علی حسین حسینی زاده^۲

ناهید شعبانی^۳

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی رابطه بین دینداری و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد. چارچوب نظری این تحقیق تلفیقی از نظریات وبر، گیدنز و بوردیو بوده است. این تحقیق به صورت پیمایشی انجام شده و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری در این تحقیق، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز است. شیوه نمونه گیری طبقه‌ای بوده و حجم نمونه نیز براساس فرمول کوکران ۳۷۶ نفر تعیین شد. از لحاظ زمانی این پژوهش در نیمسال دوم تحصیلی ۱۳۹۴-۱۳۹۳ اجرا شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیر دینداری با تمامی ابعاد سبک زندگی (شامل؛ مصرف مادی، مصرف فرهنگی- هنری، چگونگی گذران اوقات فراغت، مدیریت بدن، روابط بین شخصی) رابطه معناداری دارند. بدین صورت که بین میزان دینداری و ابعاد مصرف مادی، مصرف فرهنگی- هنری، مدیریت بدن، چگونگی گذران اوقات فراغت رابطه منفی معناداری مشاهده شده است و تنها بین میزان دینداری و بعد روابط بین شخصی رابطه مثبت برقرار است. نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که سه بعد از دینداری یعنی بعد عاطفی با ضریب بتای ۰/۳۸، پیامدی با ضریب بتای ۰/۲۸ و مناسکی با ضریب بتای ۰/۱۳ معنادار بوده‌اند. این ابعاد در مجموع ۴۱ درصد از تغییرات مربوط به سبک زندگی را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: دینداری، سبک زندگی، مصرف مادی، اوقات فراغت، مدیریت بدن.

rezadoostk@yahoo.com

alihos81@yahoo.com

nsh52153@gmail.com

۱ - دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۲ - دانشیار علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

۳ - کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

امروزه، سبک زندگی را برای فهم شرایط جدید پیش آمده در زندگی افراد، در شهرهای بزرگ به کار می‌برند، زیرا شهرهای بزرگ و جدید با ساختارهای مصرفی و تفریحی سامان یافته‌اند و افراد و گروه‌های اجتماعی در آن بر اساس مصرف و نمایش و ارائه نوع زندگی جدید شکل گرفته‌اند (آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۴). جامعه ایرانی به لحاظ فرهنگی همواره متنوع بوده است، لیکن در دهه‌های اخیر این تنوع پیچیدگی‌های مضاعفی یافته است. از جمله متغیرهای اجتماعی مناسب برای فهم پیچیدگی‌های معاصر ایران مفهوم سبک زندگی است. این مفهوم به طور خاص در بررسی فرهنگ جوانان ابزار تحلیلی مفیدی فراهم می‌آورد.

از نظر کیچبرگ^۱ (۲۰۰۷) سبک زندگی مجموعه‌ای الگوهای خودآگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف کننده است. وبلن^۲، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری‌اند. میران^۳، سبک زندگی را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند (کرمی قهی و زادسر، ۱۳۹۲). وی، همچنین، سبک زندگی را الگوی رفتاری گروهی می‌داند که در خرید مصرف کننده انبوه و روش‌های مصرف انعکاس یافته است، مک کی^۴، سبک زندگی را الگویی برآمده از ارزش‌ها و باورهای مشترک یک گروه یا جامعه می‌داند که به صورت رفتارهای مشترک ظاهر

1 - Kichberg

2 - Veblen

3 - Miran

4 - Mckee

می‌شود. اصطلاحی که در موارد متعدد با پاره فرهنگ مترادف است، مانند سبک- زندگی حومه‌نشینان (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳).

وود^۱ (۲۰۰۹) سبک زندگی را شیوه زندگی یا به نحو دقیق‌تر، الگوها و شیوه‌های زندگی روزمره تعریف نموده است که نه تنها شامل الگوهای فردی مطلوب از زندگی، بلکه شامل تمام عادات و روش‌هایی که فرد یا اعضای یک گروه به آن‌ها خورده، یا عملاً با آن‌ها سر و کار دارند، می‌شود. بنابراین، سبک زندگی به خانه و اثاثیه محدود نمی‌شود و تمام چیزها مانند الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف و لباس را در برمی‌گیرد و نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی که فرد عضو آن است را منعکس می‌کند.

ویل^۲ (۲۰۰۲) معتقد است که سبک زندگی راه و روش زندگی است که بیان‌کننده ایستارها و ارزش‌های یک فرد یا یک گروه است. آلفرد آدلر^۳ می‌گوید سبک زندگی، یعنی کلیت بی‌همتا و فردی زندگی که همه فرایندهای عمومی زندگی، ذیل آن قرار دارند (آدلر، ۱۹۵۶: ۱۹۱). از دیدگاه ولمن^۴، سبک زندگی رفتار و منش نیست، بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را برای واحد هدایت می‌کند و خود به واسطه خوی‌ها و منش فردی شکل می‌گیرد (ولمن، ۱۹۸۱: ۱۷۵).

یکی از متغیرهایی که می‌تواند سبک زندگی افراد را تحت تأثیر خود قرار دهد، میزان دینداری است. دین غالباً می‌تواند عامل نیرومند تعیین‌کننده پدیده‌های اجتماعی

1 - Wood

2 - Veal

3 - Adler

4 - Wolman

باشد، به نهادها شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر بگذارد و روابط را تحت نفوذ خود بگیرد. دین دائماً به طور متقابل بر محیط اطراف خود تأثیر می‌گذارد و عناصر محیط اجتماعی - فرهنگی را شکل می‌دهد (زاکرمین^۱، ۱۳۸۴: ۱۷۵).

دین از جمله متغیرهای اساسی است که اغلب صاحب‌نظران و اندیشمندان آن را به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر شکل، نوع و روند تغییرات در اجتماع و بر روی افراد مورد تأکید قرار داده‌اند. اهمیت این موضوع از آنجایی است که دینداری دارای کارکردها و اثرات ویژه‌ای در تمام زوایای زندگی بشری است، چرا که افراد دیندار بسیاری از کنش‌ها، افکار، شیوه‌زندگی، ارزش‌ها و حالت‌های خود را براساس دین تعیین نموده و دین را ناظر بر زندگی خود می‌دانند. در دهه اخیر، بسیاری از جامعه‌شناسان و متفکران اجتماعی در بحث کارکردهای دین بر مواردی چون تعریف و معنابخشی ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ارائه نظم اخلاقی و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد، تقویت عواطف مشترک، تقویت کنترل اجتماعی، کارکرد انسجام‌بخشی و تقویت همبستگی اجتماعی، کاهش اضطراب و تعارض‌های ذهنی، جهت‌دهی به نهادهای اجتماعی و مانند آن‌ها تأکید نموده‌اند (خواججه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۲).

در واقع، دین از یک سو به عنوان منبع اجتماعی، همبستگی و دلبستگی عاطفی را ایجاد و تقویت می‌کند و از سوی دیگر با ایجاد و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد و معنابخشی به هنجارها، افراد را انسجام داده، نوعی نظم اخلاقی را ایجاد و محافظت می‌کند (باینگانی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین، مفهوم سبک‌زندگی به عنوان

شیوه زندگی مردم و نحوه انتخاب افراد گروه‌ها در جامعه به عنوان مؤلفه اساسی زندگی اجتماعی انسان معاصر، توجه بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان اجتماعی را به خود جلب نموده است.

در مجموع با توجه به اینکه ایران نیز یک جامعه‌ای دینی است، دین همچون یک سرمایه، نقشی تأثیرگذار بر کنش و سبک زندگی و نحوه مصرف فرهنگی و مادی افراد دارد. اما باید توجه داشت که قرار گرفتن در عرض مدرنیته و شاخصه‌های آن از جمله عقلانیت، فردگرایی، مصرف‌گرایی و ... همواره تغییراتی در تمام زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و همچنین در فرهنگ و نگرش‌های دینی به دنبال خواهد داشت. به نحوی که محور اصلی تحقیقات جامعه‌شناسی دین نیز از ابتدا، جامعه نوین و تحولات برجسته‌ای بوده که در امر دین به وجود آورده است. بر این مبنا، مسأله اساسی این پژوهش آن است که آیا بین دینداری و سبک زندگی در بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز رابطه معناداری وجود دارد؟

ادبیات تحقیق

مبانی نظری

با توجه به مبانی نظری و مطالعات انجام شده در این زمینه می‌توان مهم‌ترین نظریات مرتبط جهت تبیین رابطه سبک زندگی را مطرح نمود. در این تحقیق چارچوب نظری جهت تبیین این مسئله بر مبنای دیدگاه‌های وبر، گیدنز و بوردیو می‌باشد.

ماکس وبر بیش از هر جامعه‌شناس کلاسیک وارد بحث‌های مربوط به سبک

زندگی شده است. به نظر وبر سلوک زندگی و فرصت‌های زندگی، دو مولفه اساسی سبک زندگی است. سلوک زندگی^۱ به انتخاب‌هایی اشاره دارد که افراد در گزینش سبک زندگی شان دارند (کاکرام^۲، ۲۰۰۰: ۱۶۱). وبر فرصت‌های زندگی را به عنوان مطلق فرصت مورد توجه قرار نمی‌دهد. بلکه آن‌ها را فرصت‌هایی می‌داند که افراد به دلیل موقعیت اجتماعی شان از آن‌ها برخوردار می‌شوند (کیوان آرا، ۱۳۸۶: ۶۶)

مهم‌ترین سهم وبر از مفهوم سازی سبک زندگی، تقابل دیالکتیک بین «انتخاب‌ها» و «فرصت‌ها» است. به طوری که اگر هر یک از این‌ها دیگری را از بین ببرد، می‌تواند در نتیجه سبک زندگی مؤثر باشد. این بدین معنا است که افراد سبک زندگی خود را انتخاب می‌کنند و فعالیت‌هایی را که مشخصه آن است انجام می‌دهند. اما انتخاب‌های آن‌ها به وسیله موقعیت اجتماعی آن‌ها تحت تاثیر قرار می‌گیرد (کاکرام و همکاران، ۱۹۹۷: ۳۲۴).

به نظر وبر سبک‌های زندگی، الگوهای جمعی از رفتارها هستند که بر انتخاب‌هایی که طبق فرصت‌های زندگی در دسترس مردم است، متکی هستند. این فرصت‌ها عبارت اند از: طبقه، سن و جنس، قومیت و دیگر متغیرهای ساختاری مناسب که انتخاب‌های سبک زندگی را شکل می‌دهند. این انتخاب‌ها برای نمونه شامل تصمیم در مورد سیگار کشیدن، مصرف الکل، رژیم غذایی، ورزش و اموری مشابه این‌ها هستند. رفتارهای منتج از کنش متقابل بین انتخاب‌ها و فرصت‌ها می‌توانند نتایج بهداشتی مثبت و یا منفی داشته باشند (کیوان آرا، ۱۳۸۶: ۶۷).

1 - Life conduct

2 - Cocerham

اگرچه سبک زندگی در نزد ماکس وبر به طور منسجم تئوریزه نشده است، اما همواره می‌توان تأثیر اندیشه وی را بر توسعه این مفهوم مشاهده نمود و از آنجایی که او برای تحلیل اجتماعی خویش مفهوم طبقه مارکس را به مفهوم منزلت تبدیل می‌کند، به نظر می‌رسد که تدریجاً در حال شکل دادن به مفهوم سبک زندگی است. منزلت اجتماعی از نظر وبر به معنای عضویت‌های مشترک و آگاهی گروهی است که می‌تواند تشکیل دهنده گروههایی باشد که هر چه بیشتر دارای شیوه‌های رفتاری شبیه هم هستند، به طوری که این شباهت‌ها می‌تواند آنها را از بقیه افراد جامعه متمایز کند (خادمیان؛ ۱۳۸۸: ۷۲).

اگر مارکس در توسعه مفهوم طبقه، بر شاخص «تولید» تأکید می‌کند، اندیشه وبر برای تشخیص منزلت، بر شباهت الگوهای مصرفی استوار است. از این رو شیوه‌های رفتاری مشترک در گروههای منزلتی، به معنای نوع مصرفی است که در آنها مشترک است. در این میان باید گفت از نظر وی مصرف فرایندی است که شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت بوده که مبین تفاوت میان گروههای اجتماعی است و بنابراین فقط ناشی از عوامل اقتصادی نیست (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸).

در اندیشه وبر افراد می‌توانند سبک زندگی خویش را انتخاب کنند، اما باید بدانند که این انتخاب‌ها کاملاً آزادانه نبوده و به وسیله موقعیت اجتماعی‌شان تحت فشار قرار خواهد گرفت. بنابراین، میان انتخاب‌ها و شانس‌ها، دیالکتیکی دائمی برقرار می‌شود، به طوری که اگر هر یک از این دو، دیگری را از بین ببرد، می‌تواند در نتیجه سبک زندگی مؤثر باشد (کیوان آرا؛ ۱۳۸۶: ۶۵ و ۶۶).

به نظر گیدنز جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و جمعی است (رحمت آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

آنتونی گیدنز در مورد مدرنیته و وضعیت زندگی اجتماعی حاصل از انقلاب صنعتی صحبت می‌کند که سبک‌های زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به نظر وی مدرنیته احتمال خطر را در بعضی از حوزه‌ها و سبک‌های زندگی (مثل پیشرفت علم پزشکی و تکنولوژی‌های بهداشتی و از بین رفتن بیماری‌های عفونی و آگیردار) کاهش می‌دهد، ولی در عین حال پارامترهای خطرآفرین نوین و کاملاً ناشناخته‌ای را نیز به همان حوزه‌ها وارد می‌کند (بیماری‌های مزمن و واگیر دار، ایدز، اعتیاد، سکنه و سرطان). این پارامترها خطرهای احتمالی بدفرجامی را نیز در بردارند. دنیای متجدد کنونی آکنده از تهدیدها و خطرات هول‌انگیز است، نه به دلیل آن که به طرزی اجتناب ناپذیر به سوی مصیبت و فاجعه پیش می‌رود، بلکه بدان سبب که خطرهای احتمالی بی‌سابقه‌ای را وارد میدان می‌کند که نسل‌های پیشین به هیچ وجه با آن‌ها سرو کار نداشتند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۹) او توصیف می‌کند که مدرنیته به دلیل پویایی و تأثیر جهانی‌اش و درجه‌ای از عادات و آداب و رسوم سنتی از بین رفته، متفاوت‌تر از اشکال قبلی، یک حالت اجتماعی است.

در نتیجه مدرنیته، در نهایت به تنوعی از فرصت‌ها و انتخاب‌های زندگی ارتقا می‌یابد که در دیدگاه گیدنز هیچ فرهنگی چنین فرصت و انتخابی را در کل از بین نمی‌برد (کاکرام، ۲۰۰۰: ۱۶۳). با این وصف سنت یا عادات و رسوم جا افتاده، برحسب تعریف، زندگی را در محدوده شبکه‌هایی تقریباً از پیش تعیین شده به جریان

می‌اندازند. مدرنیته، اما فرد را رودر روی تنوع غامضی از انتخاب‌های ممکن قرار می‌دهد و به دلیل آن که دارای کیفیت غیر شالوده‌ای است، چندان کمکی به فرد ارائه نمی‌دهد تا وی را در گزینش‌هایی که باید به عمل بیاورد یاری کند. این امر پیامدهای گوناگونی به دنبال دارد که یکی از این پیامدها به اهمیت یافتن سبک زندگی و اجتناب ناپذیر بودن آن برای فرد عامل مربوط می‌شود. البته سخن گفتن از کثرت انتخاب‌ها نباید به این پندار بینجامد که در همه انتخاب‌ها روی همه افراد باز است، یا این که مردم همه تقسیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را با آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود اتخاذ می‌کنند. گزینش یا ایجاد سبک‌های زندگی تحت تاثیر فشار گروه‌ها و الگوهای رفتاری آن‌ها، و هم‌چنین زیر نفوذ اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۸۳: ۱۱۹). بدین ترتیب، گیدنز از تأثیر منابع خارجی بر روی افراد و گزینه‌های سبک زندگی آن‌ها غفلت نمی‌کند و نقش و مسئولیت‌ها و فشارهای گروهی را تحت شرایط اجتماعی - اقتصادی مورد انتقاد قرار می‌دهد. پیام اصلی وی این است که سبک‌های زندگی نه تنها نیاز ضروری را کامل می‌کنند، بلکه اطلاعاتی را در مورد هویت فرد از خود شکل می‌بخشند. بنابراین، وضعیتی را انتخاب می‌کنند که در آن سبک‌های زندگی در بین محدودیت‌ها و فرصت‌های ارائه شده توسط موقعیت اجتماعی فرد بیان شده است و فرد مجبور است به سازگار کردن خود با ساختار انعطاف پذیر سبک‌های زندگی و خود هویتی‌اش است. این انعطاف پذیری در وضعیت تغییر حاصل از انقلاب و رشد اجتماعی، در مرحله بعدی مدرنیته گنجانده شده است (کاکرام، ۲۰۰۰: ۱۶۳).

در کل می‌توان گفت که سبک زندگی فرد، انعکاسی از تجربیات زندگی،

موقعیت، ارزش‌ها، نگرش‌ها و انتظارات او است. در جوامع سنتی، به ویژه در کشورهایی که فرهنگ جمع‌گرایی در آن‌ها غالب است، گزینه‌های مصرف‌افراد به شدت تحت تأثیر طبقه اجتماعی، خانواده و اطرافیان است. اما در جوامع مدرن، مصرف‌کنندگان در انتخاب کالاها، خدمات و فعالیت‌هایی که به واسطه آن خود را تعریف می‌کنند آزاد هستند. یک فرد با انتخاب مجموعه کالا و خدمات در واقع، ابراز می‌دارد که چه کسی است، چه ماهیتی دارد، به چه چیزی علاقه دارد و جزء کدام گروه از افراد شناخته و دسته‌بندی می‌شود (صمدی، ۱۳۸۲: ۱۴۵).

گیدنز در تبیین مفهوم طبقه، با فاصله‌گیری از اقتصاد و اشتغال، بر عوامل فرهنگی تأکید می‌کند. این عوامل که خود را در مفاهیمی مثل «الگوهای مصرف» و «سبک زندگی» بازنمایی می‌کنند، هر چه بیشتر به ویژگی‌های جامعه مدرن باز می‌گردند. در جامعه مدرن به تعبیر گیدنز، «نمادها و علائم مربوط به مصرف نقش بیشتر و بیشتری در زندگی روزانه ایفا می‌کنند.» (گیدنز؛ ۱۳۸۷: ۴۲۹) و مصرف‌قبل از هر چیز با انتخاب‌های شخصی متناسب است. از این رو، هویت‌های شخصی به میزان زیادی گرداگرد انتخاب‌های سبک زندگی خود رفتار و سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پیر بوردیو از جمله تأثیرگذارترین نظریه‌پردازانی است که آثار او باز تعریف سودمندی از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی بوده و نیز در دوره معاصر توانسته است تحلیل نظری جامعی درباره مفاهیم مصرف و سبک زندگی ارائه دهد. وی بر این موضوع تأکید می‌کند که چگونه اعمال افراد به وسیله ساخت جهان اجتماعی آن‌ها تحت نفوذ و تأثیر قرار می‌گیرد و در مقابل چگونه این اعمال، آن ساخت را مجدد

تولید می‌کنند. از بین همه آثار بوردیو، مناسب‌ترین اثر برای جامعه‌شناسان پزشکی، کتاب او با عنوان «تمایز»^۱ است که در آن به طور سیستماتیک الگوهای فرهنگی مصرف را برای تعریف ذوق و قریحه در بین طبقات اجتماعی جامعه فرانسه مورد بررسی قرار می‌دهد. او در این اثر تحلیلی از عادات غذایی و ورزشی استفاده کرده است که نشان می‌دهد چگونه ساختارهای ذهنی حول یک طبقه، جنبه‌های ویژه‌ای از سبک زندگی سلامت را تشکیل می‌دهد (کیوان آرا، ۱۳۸۶: ۷۳).

پیشینه تجربی

امیری (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه ابعاد دینداری و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی دانش آموزان سال سوم دبیرستان و پیش دانش گاهی شهرزرقان» به روش پیمایشی و با ابزار پرسشنامه درمیان ۲۶۳ نفر از دانش آموزان سال سوم دبیرستان و پیش دانشگاهی شهرزرقان فارس انجام داده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنوع قابل توجهی در وضعیت دینداری این دسته از جوانان وجود دارد و از میان پنج بعد دین‌داری سنجیده شده، بین هر کدام از سه بعد اعتقادی، شرعی و اخلاقی دین‌داری و سبک زندگی آنان رابطه وجود دارد. اما بین دو بعد مناسکی و تجربی و سبک زندگی آنان رابطه معنادار وجود ندارد (امیری، ۱۳۹۰).

فیروزجاه و سهرابی (۱۳۹۲) مطالعه‌ای با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک زندگی و دینداری» در شهرساری انجام دادند. در این تحقیق از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. حجم نمونه ۴۰۰ نفر بوده که نخست از طریق آزمون

تحلیل اکتشافی به شناخت اشکال و سنخ‌های سبک‌زندگی و دینداری در جامعه مورد مطالعه پرداخته شد و سپس با استفاده از آزمونهای کی دو، کرامر، تحلیل واریانس، پیرسون و تحلیل مسیر، فرضیه‌های تحقیق بررسی شدند. نتایج نشان داد که بین نوع سبک‌زندگی و نوع دینداری رابطه وجود دارد. اما بین نوع سبک‌زندگی و میزان دینداری رابطه‌ای بدست نیامد. همچنین، نتایج نشان داد که سبک‌های زندگی متفاوت، موجب تعدد رفتار دینی و شکل‌گیری الگوهای خاص در زمینه دینداری است (فیروزجاه و سهرابی، ۱۳۹۲).

کرمی‌قهی و زادسر (۱۳۹۲) پژوهشی تحت عنوان «سنجش بررسی رابطه دین‌داری و سبک‌زندگی (مطالعه موردی: زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران)» انجام داده‌اند. اساس نظری تحقیق بر نظریه کنش وبر استوار است. براساس مدل گلاک^۱ و استارک^۲، دین‌داری در چهار بعد اعتقادی، عاطفی، پیامدی و مناسکی سنجش شده است. همچنین، سبک‌زندگی افراد با سه شاخص مدیریت بدن، روابط بین‌شخصی و هنجارهای مصرف‌سنجیده شد. تحلیل رگرسیون نشان داد از میان متغیرهای مستقل تحقیق - مانند دین‌داری و سن - که وجود رابطه آنها با متغیر وابسته در حد ضعیف تأیید شد، بیشترین میزان همبستگی میان دینداری و سبک‌زندگی وجود دارد. همچنین رابطه میان سبک‌زندگی زنان، مدیریت بدن، هنجارهای مصرف اثبات شد. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش به ارتباط میان دینداری و سبک‌زندگی افراد مربوط می‌شود. بر مبنای نتایج، بیش‌ترین تبیین‌کنندگی دین، در حوزه هنجارهای مصرف بود (کرمی‌قهی و زادسر، ۱۳۹۲).

1 - Glak

2 - Stark

نیازی و نصرآبادی (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان)» انجام دادند. این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و داده‌های تحقیق با استفاده از پرسشنامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. جامعه آماری پژوهش شامل تمام شهروندان شهر کاشان می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۶۴۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش سهمیه‌ای تصادفی انتخاب و بررسی شدند. یافته‌های تحقیق رابطه بین میزان دینداری و هریک از ابعاد سبک زندگی و نوع سبک زندگی پاسخگویان را نشان می‌دهد. در مجموع، نتایج آزمون‌های آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن رابطه معنادار دو متغیر دینداری و نوع سبک زندگی افراد را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین، نتایج تحلیلی رگرسیونی به روش گام به گام، اثرات بعد اعتقادی و بعد آگاهی دینداری را به ترتیب با ۲۹ و ۲۸ درصد بر سبک زندگی شهروندان نشان می‌دهد (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۹۲).

مطالعه‌ای در سال (۱۹۹۹) با عنوان «تغییر الگوهای مصرف و سبک زندگی در میان طبقه متوسط و نسل جدید در کره جنوبی» توسط سونگ کوک کیم صورت گرفته است. این مطالعه بر اساس تحلیل داده‌های ثانویه حاصل از پیمایش‌های ملی و سالنامه‌های آماری کره جنوبی و با این هدف انجام شده است که به گونه‌ای تجربی نشان دهد که تا چه اندازه فرهنگ مصرف‌گرایی در بین طبقه متوسط و نسل جدید در کره جنوبی در حال شکل‌گیری است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که کره‌ای‌ها به شدت تشنه تحصیلات عالی، به ویژه برای فرزندان‌شان، تنوع غذایی، ماشین و خانه‌های بزرگ، لباس‌های گران قیمت، فرصت‌های فراغتی و تورهای مسافرتی هستند

(کوک کیم، ۲۰۰۰).

بینا^۱ (۲۰۰۵) به مطالعه «رانندگی پرخطر و سبک زندگی در میان نوجوانان» پرداخت. بینا از طریق پرسش نامه در بین نمونه‌ای ۶۴۵ نفری از نوجوانان ایتالیایی (دختران و پسران ۱۴-۱۷ سال)، به تحلیل میزان رانندگی پرخطر در میان نوجوانان پرداخت و سپس سعی کرد تا رابطه بین رانندگی پرخطر و سبک زندگی پرخطر را ارزیابی کند. بینا، سبک زندگی را به عنوان درگیری در رفتارهای سالم و خطرناک نظیر ورزش کردن، مصرف الکل و ... می‌داند که از نظر او همگی جزئی از فعالیت‌های اوقات فراغت هستند. نتایج به دست آمده بازگو کننده تفاوت‌های جنسیتی در رانندگی‌های پرخطر است. به طور مثال، پسران نسبت به دختران گرایش بیشتری به رانندگی کردن همراه دوستان در شب دارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که پسرانی که به رانندگی پرخطر گرایش دارند بیشتر به رفتارهای ضد اجتماعی نظیر سیگار کشیدن و .. می‌پردازند و نیز دخترانی که درگیر رانندگی پرخطر بودند، بیشتر به رفتارهای ضد اجتماعی و مصرف داروهای روان گردان و ... گرایش داشتند.

بلاسوس و فردریچ^۲ (۲۰۰۷) پژوهشی تحت عنوان «شیوه‌های زندگی در نواحی فقیرنشین، آزمایشی بر فرضیه ضرورت ذائقه بوردیو» انجام دادند. این پژوهش در مناطق فقیرنشین در کلن آلمان انجام گرفته و در آن به دنبال این بودند که آیا طبقات پایین تر جامعه توانایی تبدیل و نمایش و عرضه سرمایه‌های خود را دارند یا نه. استدلال اصلی این تحقیق این بود که این افراد توان کافی در تبدیل سرمایه اقتصادی به سرمایه

1 - Bina

2 - Blasus&fredrich

فرهنگی و یا اجتماعی و بالعکس را ندارند. این فرضیه تا به آن زمان به صورت عملیاتی در نیامده بود. در این پژوهش با استفاده از پرسشنامه داده‌های اطلاعاتی از طبقات پایین در محله‌های فقیرنشین شهر کلن جمع آوری شده بود. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که افرادی که در این مناطق زندگی می‌کردند توان کافی برای تبدیل سرمایه فرهنگی به سرمایه اقتصادی و بالعکس نداشته و این پژوهش فرض ذائقه بوردیو را تقویت کرد.

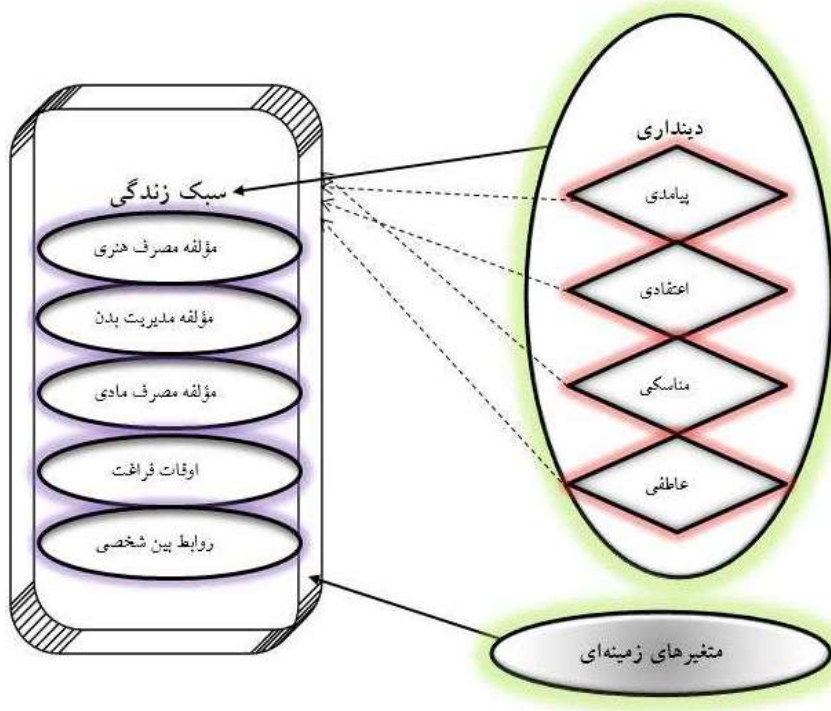
جمع‌بندی و نقد چارچوب نظری و پیشینه‌ی تجربی

پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با سبک زندگی علیرغم دستاوردهایی که در حوزه مفهومی و کاربردی این پدیده داشته‌اند دارای چالش‌ها و نقاط ضعفی می‌باشند. به عبارتی یکی از نقاط ضعف مطالعات داخلی و خارجی این است که به منظور سنجش متغیر وابسته (سبک زندگی) از مقیاس‌های مختلفی در این زمینه استفاده شده و پرسشنامه استاندارد که دارای ابعاد مشخصی برای مفهوم سبک زندگی باشد، وجود ندارد و این امر باعث تعارض و متفاوت بودن نتایج برخی از تحقیقات پیشین شده است. نقطه ضعف دیگر هر دو دسته از مطالعات چه داخلی و چه خارجی استفاده از برخی متغیرهای تکراری است.

همچنین با توجه به این که مفهوم سبک زندگی در مطالعات داخلی و خارجی بر روی جامعه‌های آماری متفاوت در کشورهای مختلف با ارزش‌ها و فرهنگ‌های متفاوت صورت گرفته است، گاه‌ا نتایج متفاوت به دست آمده است. از سوی دیگر، ارتباط این مفهوم با دینداری نادیده گرفته شده است که در این پژوهش سعی شد ضمن بررسی ابعاد مفهومی و عملیاتی دینداری و سبک زندگی ارتباط این دو پدیده

مورد واکاوی قرار گیرد. برای واکاوی ارتباط این متغیرها از نظریه وبر گیدنز و بوردیو و تحقیقات انجام شده استفاده شده است.

مدل مفهومی تحقیق



فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی

بین دینداری و سبک زندگی رابطه وجود دارد.

فرضیه‌های فرعی

بین دینداری و مصرف مادی رابطه وجود دارد.

بین دینداری و چگونگی گذران اوقات فراغت رابطه وجود دارد.

بین دینداری و مصرف فرهنگی - هنری رابطه وجود دارد.

بین دینداری و روابط بین شخصی رابطه وجود دارد.

سبک زندگی بر حسب قومیت متفاوت است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

سبک زندگی: سبک زندگی عبارت از طیف رفتاری است که اصلی انسجام بخش بر آن حاکم است، عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده است. البته سبک‌های زندگی می‌توانند تشخیص پذیر یا اساساً به قصد ایجاد تشخیص سامان داده شوند (فاضلی، ۱۳۸۲: ۸۳). برای سنجش سبک زندگی پنج شاخص مدیریت بدن، مصرف مادی، مصرف فرهنگی، روابط بین شخصی و نحوه گذران اوقات فراغت مورد استفاده قرار گرفته است.

دینداری: دین در لغت به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست. در اصطلاح، عبارت

است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح، دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است (احمدی، ۱۳۸۸). در این پژوهش، دینداری میانگین نمره‌ای است که فرد از پاسخ به پرسشنامه ۲۶ گویه‌ای سراج‌زاده (۱۳۷۴) که مطابق با الگوی گلارک و استارک است، کسب می‌کند.

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه می‌باشد. واحد مشاهده و تحلیل این تحقیق فرد می‌باشد. علت انتخاب روش پیمایش رسیدن به بیشینه قدرت تعمیم یافته‌ها است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشد که طبق گزارش دفتر برنامه ریزی دانشگاه شهید چمران تعداد کل جمعیت دانشجویان ۱۶۸۲۹ نفر می‌باشد. براساس فرمول کوکران حجم نمونه معادل ۳۷۶ نفر برآورد گردید. شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شد.

حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به خطای نمونه-گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، مقدار $n=376$ به دست آمد.

$$n = \frac{\frac{z^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$n = ۳۷۶$$

(جمعیت دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز) $N = ۱۶۸۲۹$

نسبتی از جمعیت فاقد صفت معین $p =$

درجه اطمینان یا دقت احتمالی مطلوب $d =$

$$p = ۰/۰۵$$

$$q = ۰/۰۵$$

$$z = ۱/۹۶$$

داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss در دو سطح آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. از لحاظ زمانی این تحقیق در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۳ اجرا شده است. در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری و برآورد پایایی گویه‌های متغیرهای تحقیق از تکنیک آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج تحلیل پایایی هریک از متغیرهای تحقیق در جدول شماره ۱ ذکر شده است که مقادیر آلفای کرونباخ همه متغیرها در سطح قابل قبولی می‌باشد.

جدول ۱: نتایج پایایی (آلفای کرونباخ) به تفکیک متغیرها در مطالعه مقدماتی

متغیر	آلفای کرونباخ
میزان دینداری	۰/۷۲
سبک زندگی	۰/۸۴
مصرف مادی	۰/۷۱
روابط بین شخصی	۰/۶۹
مدیریت بدن	۰/۷۵
چگونگی گذران اوقات فراغت	۰/۷۹
مصرف فرهنگی - هنری	۰/۷۱

یافته‌های پژوهش

توصیف متغیرهای تحقیق

جدول شماره ۲، نشان دهنده توزیع فراوانی پایگاه اجتماعی-اقتصادی پاسخ‌گویان براساس ترکیبی از ۴ شاخص میزان تحصیلات والدین، نوع شغل والدین، میزان درآمد والدین و وضعیت مسکن است. ۰/۲۷ درصد پاسخگویان در طبقه‌ی خیلی بالا، ۱۳/۸۳ درصد در طبقه‌ی بالا، ۵۷/۴۵ درصد در طبقه متوسط، ۲۷/۳۹ درصد در طبقه‌ی پایین و ۰/۲۷ درصد در طبقه خیلی پایین قرار دارند.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان برحسب متغیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی

پایگاه اجتماعی-اقتصادی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
خیلی پایین	۱	۰/۲۷	۰/۲۷
پایین	۱۰۳	۲۷/۳۹	۲۷/۶۶
متوسط	۲۱۶	۵۷/۴۵	۸۵/۱۱
بالا	۵۲	۱۳/۸۳	۹۸/۹۴
خیلی بالا	۱	۰/۲۷	۹۹/۲۱
مشاهدات بدون پاسخ	۳	۰/۷۹	۱۰۰
مشاهدات معتبر	۳۷۳	۹۹/۲۰	
جمع کل	۳۷۶	۱۰۰/۰	

جدول شماره ۳ آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق از قبیل میانگین، انحراف از معیار، واریانس، حداقل و حداکثر را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند دامنه‌ی میزان دینداری در گروه نمونه بین ۴۲ تا ۱۷۰ می‌باشد. میانگین میزان دینداری

پاسخگویان ۸۳/۷۹، انحراف معیار آن ۰/۸۵ و واریانس میزان دینداری پاسخگویان ۲۷۰/۶۰ می باشد. همچنین اطلاعات جدول شماره ۴ در مورد متغیر سبک زندگی نیز حاکی از آن است که دامنه‌ی میزان سبک زندگی در گروه نمونه بین ۷۲ تا ۲۳۱ می باشد. میانگین میزان سبک زندگی پاسخگویان ۱۳۱/۲۵، انحراف معیار آن ۱۳۱/۲۵ و واریانس برابر با ۵۳۰/۹۲ و تعداد مشاهدات معتبر ۳۶۶ نفر بوده و ۱۰ مورد بی پاسخ مشاهده شده است. بنابراین، می توان چنین نتیجه گرفت که میانگین متغیر دینداری و همچنین سبک زندگی در سطح متوسطی قرار دارد.

جدول ۳: آماره‌های توصیفی برخی از متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	بی پاسخ	تعداد مشاهدات
مؤلفه اعتقادی	۲۱/۲۷	۰/۲۰	۱۴/۵۱	۱۱	۳۱	۲۶	۳۵۰
مؤلفه عاطفی	۱۸/۹۶	۰/۲۶	۲۵/۹۵	۶	۸۰	۰	۳۷۶
مؤلفه پیامدی	۲۱/۰۳	۰/۲۴	۲۲/۸۸	۸	۶۱	۲	۳۷۴
مؤلفه مناسکی	۲۲/۰۹	۰/۳۶	۵۰/۳۱	۷	۸۰	۳	۳۷۳
مدیریت بدن	۱۵/۶۲	۰/۲۰	۱۵/۱۰	۵	۲۵	۱	۳۷۵
چگونگی گذران اوقات فراغت	۲۶/۶۸	۰/۳۱	۳۷/۹۹	۹	۷۱	۴	۳۷۲
مصرف مادی	۳۰/۷۳	۰/۳۸	۵۴/۴۷	۱۶	۷۵	۳	۳۷۳
مصرف فرهنگی- هنری	۱۹/۵۳	۰/۲۲	۱۹/۲۳	۶	۳۰	۰	۳۷۶
روابط بین شخصی	۱۱/۱۶	۰/۱۸	۱۳/۵۰	۶	۲۰	۰	۳۷۶

جدول ۴: آماره‌های توصیفی میزان دینداری و میزان سبک زندگی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	واریانس	حداقل	حداکثر	مشاهدات معتبر	بی‌پاسخ
دینداری	۸۳/۷۹	۰/۸۵	۲۷۰/۶۰	۴۲	۱۷۰	۳۷۳	۳
سبک زندگی	۱۳۱/۲۵	۱۳۱/۲۵	۵۳۰/۹۲	۷۲	۲۳۱	۳۶۶	۱۰

یافته‌های استنباطی

جدول شماره ۵، نشان دهنده نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل تحقیق با متغیر وابسته (سبک زندگی) می‌باشد. همانطور که داده‌های جدول نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته رابطه منفی معناداری دارند. به این معنا که هر چه سطح دینداری کم‌تر باشد پرداختن به فعالیت‌های مرتبط با مدیریت بدن، اوقات فراقت، مصرف مادی، مصرف فرهنگی - هنری بیشتر است و بر عکس. مؤلفه روابط بین شخصی و میزان دینداری رابطه مثبت معناداری مشاهده شده است. به این مفهوم که با بالا رفتن سطح دینداری میزان روابط بین شخصی افراد افزایش می‌یابد. سطح معناداری و ضرایب همبستگی هر یک از متغیرها در جدول شماره ۵ به تفکیک آمده است.

جدول ۵: نتایج آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته تحقیق

متغیر	سطح معناداری	ضریب همبستگی	نتیجه آزمون
دینداری و سبک زندگی	۰/۰۰۰	۰/۵۱۰*	تایید
میزان دینداری و مدیریت بدن	۰/۰۰۰	-۰/۵۳۰**	تایید
میزان دینداری و چگونگی گذران اوقات فراقت	۰/۰۰۰	-۰/۴۲۹**	تایید
میزان دینداری و روابط بین شخصی	۰/۰۲۴	۰/۱۲۱*	تایید
میزان دینداری و مصرف مادی	۰/۰۰۰	-۰/۵۸۱**	تایید
میزان دینداری و مصرف فرهنگی - هنری	۰/۰۰۰	-۰/۴۳۷**	تایید

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ و ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

نتایج بدست آمده از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه سبک زندگی بر حسب قومیت دانشجویان نشان می‌دهد که با توجه به مقدار $F=1/542$ و سطح معنی داری $\text{sig}=0/176$ می‌توان چنین نتیجه گرفت که سبک زندگی دانشجویان بر حسب قومیت تفاوت معناداری مشاهده نشده است و این فرضیه رد شده است. به عبارت دیگر، سبک زندگی دانشجویان در ابعاد مورد نظر این تحقیق بر حسب قومیت یکسان بوده و تفاوت مشاهده شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی دار نبوده است.

جدول ۶: نتایج آزمون آنالیز واریانس سبک زندگی بر حسب قومیت

میزان معنی داری	مقدار F	میانگین مجموع مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منبع تغییرات
۰/۱۷۶	۱/۵۴۲	۷۹۸/۰۵۶	۵	۳۹۹۰/۲۸۱	بین گروهی
		۵۱۷/۶۲۵	۳۵۱	۱۸۱۶۸۶/۴۵۹	درون گروهی
			۳۵۶	۱۸۵۶۷۶/۷۳۹	کل

تعیین کنندندهای سبک زندگی: نتایج رگرسیونی

برای تعیین سهم تاثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر میزان سبک زندگی از تحلیل رگرسیونی چندمتغیره استفاده شد. از چهار بعد متغیر دینداری که وارد معادله شدند، سه بعد عاطفی، مناسکی و پیامدی در مدل نهایی و برازش شده باقی مانده‌اند. این ابعاد در مجموع ۴۱/۵ درصد از تغییرات مربوط به سبک زندگی دانشجویان را تبیین می‌کنند و مابقی واریانس تبیین شده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل تحقیق آورده نشده‌اند.

نتایج معادله رگرسیونی با ضرایب بتای استاندارد نیز نشان می‌دهد که با افزایش

یک واحد در بعد عاطفی، میزان سبک زندگی به اندازه ۰/۳۸، با افزایش یک واحد در بعد مناسکی، میزان سبک زندگی به اندازه ۰/۱۳۳ و با افزایش یک واحد در بعد پیامدی، میزان سبک زندگی به اندازه ۰/۲۸۷ بالا می‌رود. در این معادله به خاطر این که ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تأثیر هر یک از متغیرها بر متغیر سبک زندگی پی برد. در اینجا ملاحظه می‌شود که بعد عاطفی در مقایسه با سایر متغیرها سهم بیشتری در تبیین میزان سبک زندگی دارد.

جدول ۷: تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

مدل	درجه‌ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری f	رگرسیون چندگانه	R ²
رگرسیون	۵	۳۵۰۵۵/۷۱۸	۷۰۱۱/۱۴۴	۴۴/۴۰۲	۰/۰۰۰	۰/۶۴۴	۰/۴۱۵
باقیمانده	۳۱۳	۴۹۴۲۳/۰۷۲	۱۵۷/۹۰۱				
کل	۳۱۸	۸۴۴۷۸/۷۹۰					

جدول ۸: نتایج حاصله از رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

شاخص‌ها متغیرها	B	اشتباه استاندارد	Beta	مقدار t	سطح معناداری
عرض از مبدا	۳۸/۹۲۹	۴/۲۱۵		۹/۲۳۶	۰/۰۰۰
بعد عاطفی	۰/۸۷۶	۰/۱۲۳	۰/۳۸۸	۷/۱۴۸	۰/۰۰۰
بعد پیامدی	۰/۹۸۸	۰/۲۲۰	۰/۲۸۷	۴/۴۸۷	۰/۰۰۰
بعد مناسکی	۰/۴۱۳	۰/۱۸۸	۰/۱۳۳	۲/۲۰۰	۰/۰۲۹

بحث و نتیجه گیری

مطالعه حاضر نشان داد که بین سبک زندگی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز و میزان دینداری آنان رابطه معناداری وجود دارد. در تبیین این یافته باید گفت؛ دینداری بخشی از هویت افراد را تشکیل می‌دهد و در جامعه ما بنا به اینکه بافت جامعه مذهبی است از اهمیت بالایی برخوردار است. در نظریه بوردیو سبک زندگی که شامل اعمال طبقه بندی شده و طبقه بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، آداب سخن گفتن و راه رفتن است، در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. از یک سو، سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی ای است که دارای رتبه بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی اند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله مراتبی است؛ اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز برحسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز است (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). نسل جوان که قشر زیادی را در جامعه به خود اختصاص داده‌اند به دنبال هویت‌یابی برای خود هستند و هویت تحت تأثیر سبک‌های زندگی گوناگون شکل می‌گیرد (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۹۲). با توجه به اثرات دین و دینداری در جامعه، جامعه‌شناسان برای دین به عنوان نهادی اجتماعی، کارکردهای خاصی را در نظر گرفته‌اند. براین مبنای دین برای جامعه معنایی از اجماع را به وجود آورده و آن را تحکیم می‌بخشد. با توجه به کارکردهای اساسی انضباط‌بخشی، انسجام‌بخشی و خوشبختی‌بخشی دین، باورهای دینی و مذهبی نقش اساسی در شکل‌گیری و نوع سبک زندگی افراد و گروه‌ها در جامعه ایفا می‌نمایند. در این ارتباط،

توجه به ابعاد گوناگون دین و دینداری، به ویژه عناصر آگاهی بخشی و تعمیق باورهای دینی در جهت تبیین سبک زندگی مناسب و مطلوب جوانان به ویژه دانشجویان ضرورت دارد. همچنان که راس، دین را اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی و شهید مطهری، ایمان را مایه امید و دلگرمی، خوب‌خواستن و ایمنی بخشی از اضطراب، تنهایی و احساس بی‌پناهی بیان نموده‌اند (فتحی و مختارپور، ۱۳۹۳). با توجه به موارد یادشده، از آنجا که جامعه ایرانی، جامعه‌ای دینی است و افراد دیندار، شیوه زندگی و بسیاری از افکار و کنش‌های خود را براساس مفاهیم و باورهای دینی تعیین می‌نمایند، با استفاده از مفاهیم دینی می‌توان ابعاد گوناگون سبک زندگی از جمله؛ الگوهای رفتاری، نقش‌های خانوادگی، پایبندی به ارزش‌ها و قانون‌گرایی و فرهنگ مصرف مناسب را ارتقاء بخشیده و متقابلاً با بهره‌گیری جوانان از سبک زندگی مناسب در جهت تقویت مؤلفه‌های دینی و توسعه فردی و اجتماعی گام برداشت. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های بسیاری از جمله؛ مهدوی کنی (۱۳۸۷)، آزاد و شالچی (۱۳۸۴)، نصرتی و ذوالفقاری (۱۳۹۰)، کاتزگرو (۱۹۹۸)، بکت (۲۰۰۲)، استینز (۲۰۰۰) همخوانی دارد.

جوانان آینده‌سازان جامعه هستند و تهاجم برنامه‌ریزی شده دشمن نیز این گروه را هدف قرار داده است و لذا توجه جدی به نحوه سبک زندگی شامل رفتارها، ترجیحات، نگرش‌ها و انگیزه‌های رفتار یک ضرورت و نیاز انکارناپذیر است. وجود رفتارهای انحرافی مثل مصرف سیگار، عدم رعایت پوشش و حجاب مناسب، استفاده بیش از اندازه از تکنولوژی‌های نوینی همچون تلفن همراه، ماهواره و اینترنت صرفاً برای سرگرمی، باید مورد توجه جدی قرار گیرد. براین اساس به مسئولین صدا و سیما

و برنامه‌سازان توصیه می‌شود با تنوع بخشی به برنامه‌های تلویزیون و رسانه ملی، با در نظر گرفتن روحیات و ویژگی‌های سنی و جنسیتی نوجوانان و جوانان، با توجه به ارزش‌های فرهنگی - اسلامی، برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری داشته باشند، تا از میزان استفاده از رسانه‌های غیربومی همچون اینترنت و ماهواره کاسته شود.

از جمله پیشنهادات کاربردی این پژوهش برگزاری همایش‌ها، اردوها، کارگاه‌های آموزشی در قالب برنامه‌های تفریحی برای جوانان به ویژه دانشجویان در دانشگاه‌ها، آشنا نمودن جوانان با آسیب‌های اجتماعی - فرهنگی و اخلاقی سبک‌های زندگی مدرن با مرور تاریخچه‌های فرهنگی کشورهای غربی و مقایسه مؤلفه‌های زندگی ایرانی - اسلامی با سبک‌های زندگی غربی به ویژه از طریق پخش سریال‌های تلویزیونی و برگزاری تریبون‌های آزاد در دانشگاه‌ها و در سطح شهرمی‌باشد. همچنین، با توجه به رابطه سبک زندگی و دینداری، پیشنهاد می‌شود با برگزاری سفرهای رایگان و یا کم هزینه به اماکن مذهبی و سفرهای زیارتی، از طریق مساجد و دانشگاه‌ها و نهادهای متولی امور فرهنگی، به تقویت شعائر مذهبی و نگرش‌های مذهبی در بین دانشجویان همت گماشته شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۵)، *انواع سبک زندگی در ایران*، مرکز تحقیقات استراتژیک شورای مصلحت نظام.
- امیری، مجید (۱۳۹۵)، *بررسی رابطه ابعاد دینداری و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی دانش آموزان سال سوم دبیرستان و پیش‌دانشگاهی شهر زرقان*.
- باکاک، روبرت (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه خسرو صبوری، تهران: نشر شیرازه چاپ اول.
- باینگانی، بهمن؛ ایراندوست، سید فهیم و احمدی، سینا (۱۳۹۲)، سبک زندگی از منظر جامعه‌شناختی: مقدمه‌ای بر شناخت و واکاوی مفهوم سبک زندگی، *پژوهش جامعه‌شناختی*، سال هشتم، شماره ۷۷، صص ۷۴-۵۶.
- خادیمان، طلیعه (۱۳۸۸)، *سبک زندگی و مصرف فرهنگی مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی ایرانیان*، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری جهان کتاب، تهران.
- خواجه‌نوری، بیژن، پرنیان، لیلا و همت، صغری (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس)، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی یاران*، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۹۴-۶۹.
- خواجه‌نوری، بیژن؛ ریاحی، زهرا و مساوات، سید ابراهیم (۱۳۹۲)، رابطه سبک زندگی با میزان دینداری جوانان: مورد مطالعه جوانان شیراز، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال هفتم، شماره (۲۰)، صص ۱۳۰-۱۰۳.
- زاکرم‌ن، فیل (۱۳۸۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه: خشایار دیهیمی، تهران: لوح فکر.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۲)، *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.

- فتحی، سروش، مختاریپور، مهدی (۱۳۹۳)، بررسی نقش و تأثیر رسانه‌های نوین تصویری در تغییر سبک زندگی، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۱۸-۱۰۱.
- فیروزجاه، علی و سهرابی، سعیدیه (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناختی رابطه بین سبک-زندگی و دینداری (مورد مطالعه: شهرساری)، پژوهش‌های علم و دین، *پژوهشگاه علوم/انسانی و مطالعات فرهنگی*، سال چهارم، شماره اول، صص ۶۰-۳۹.
- کرمی قهی، محمدتقی، زادسر، زینب (۱۳۹۲)، سنجش بررسی رابطه دین‌داری و سبک-زندگی (مطالعه موردی: زنان ۲۰ ساله و بیشتر ساکن شهر تهران)، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۵، شماره ۱، ۸۵-۱۰۱.
- کیوان آرا، محمود (۱۳۸۶)، *اصول و مبانی جامعه‌شناسی پزشکی*، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اصفهان.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، *تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان*، نشرنی، تهران، چاپ چهارم.
- نصرتی، شیما و ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۹۱)، تأثیر میزان دینداری بر سبک زندگی جوانان تهرانی، *فصلنامه پژوهش اجتماعی*، سال چهارم، صص ۱۱۷-۱۰۱.
- نیازی، محسن و نصرآبادی، محمد (۱۳۹۲)، بررسی رابطه بین میزان دینداری و سبک-زندگی شهروندان (مطالعه موردی: شهروندان شهرستان کاشان)، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی* شماره ۱۶، صص ۲۱۳-۱۷۳.
- Bourdieu, P. (1984), *Distinction, A Social Critique of the Judgment Of test*, Translated by Kral smith, London, Oxford University.
- Bina, Manucla (2005), "Risky driving and lifestyle in adolescence", *Accident Analysis and Prevention*, 2005; 38:473-481.
- Blasius, J and Friedrich, J.(2008), *Lifestyles in distressed*

neighborhoods A test of Bourdieu's "taste necessity" hypothesis, Poetics: 36, 24-44.

- Cockerham, w, Rutten, A. & Abel, T. (1997), Conceptualizing contemporary health lifestyles: Moving beyond weber, The sociological quarterly, vol. 38, No. 2. Pp. 321- 342.
- Kuk-Kim, seung (2000), changing lifestyles and consumption patterns of the south Korean middle Class and New Generations, 61-81, in Beng-Huat, chua, consumption Asia: lifestyle and identity, London, Rout, ldge .
- Wolman, B. (1981), Contemporary Theories & System in Psychology, Plenum Press.